

# علم أصول الفقه

۵۲

۹۵-۱۰-۲۷

نواهی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

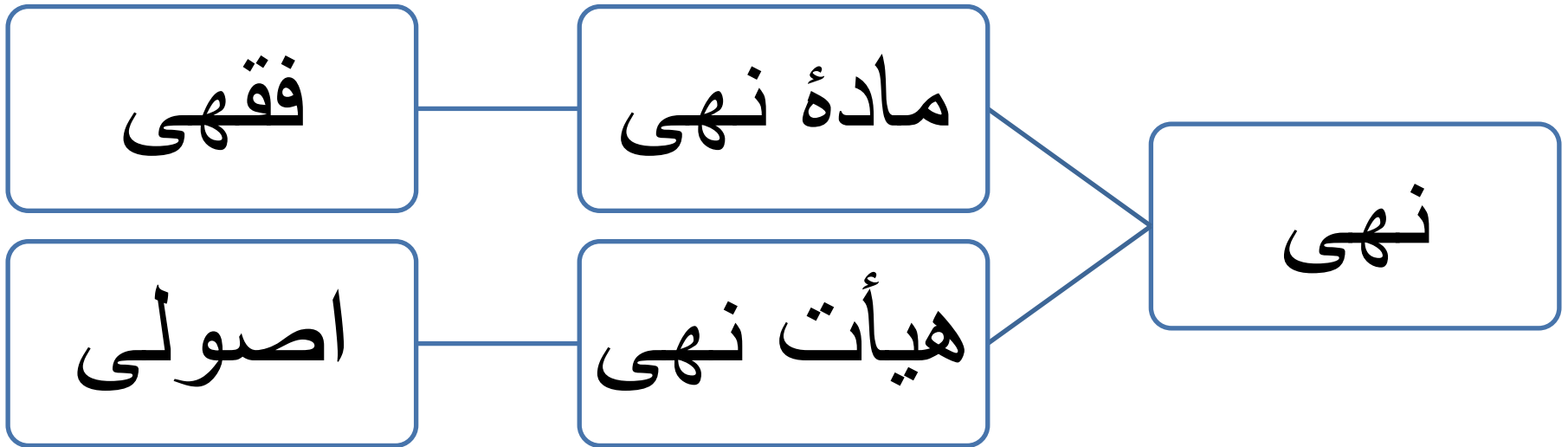
## هیأت نهی

- هیأت نهی
- در بحث نهی مثل بحث امر، عده‌ای از اصولی‌های گذشته یک بحث درباره ماده نهی و یک بحث هم درباره هیأت نهی دارند.

مادة نهى

هيأت نهى

نهى



## هیأت نهی

- در بحث امر اشاره کردیم که بررسی ماده امر یعنی «أ م ر» اصلاً کار اصولی نیست. در واقع بررسی یک ماده خاص است و مانند سایر مواد خاص در حوزه کار فقهی قرار می‌گیرد.
- اصول به آن بحث‌هایی می‌پردازد که اختصاص به بخش خاصی از فقه نداشته باشد. یک ماده خاص که نهی به آن تعلق گرفته است مثل غنا باید در فقه بحث شود.
- آنچه که مربوط به علم اصول است هیأت امر و هیأت نهی است. این هیأت‌ها با مواد مختلف در ابواب مختلف فقه دارای مصداق هستند.

## هیأت نہی

- موضوع له هیأت نہی
- صیغۃ نہی برای چه معنایی وضع شده است؟

«طلب الفعل»

صيغة امر

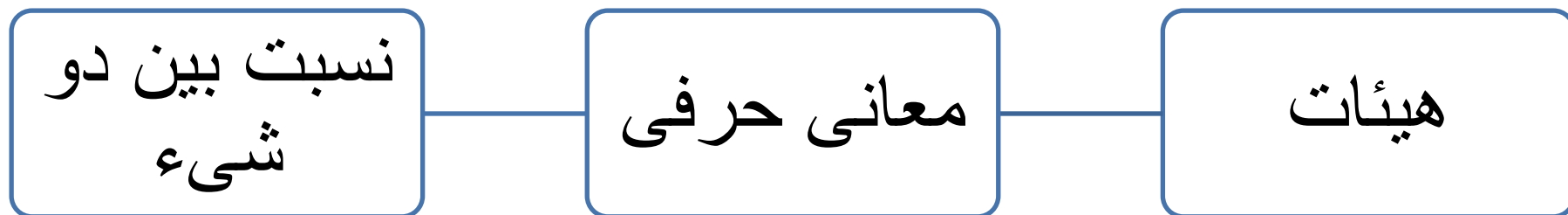
«طلب الترك»

صيغة نهى

## هیأت نهی

- نظریه‌ای در بحث امر مطرح شد که مدعی بود صیغه امر برای «طلب الفعل» وضع شده است؛ یعنی وقتی مولا می‌گوید: «صل»، صلاة را طلب می‌کند.
- در مورد نهی هم شبیه همین نظریه وجود داشته است و می‌گفتند صیغه نهی برای «طلب الترك» وضع شده است و حتی تا دوره‌های متأخر هم ما همین تعبیر را در آثار اصولی می‌بینیم؛ مثلاً مرحوم مظفر - رضوان الله علیه - در «أصول الفقہ» یا مرحوم آقای حیدری در کتاب «أصول الإستنباط» همین تعبیر را دارند.





## هیأت نهی

- ما در بحث‌های فلسفی تحلیلی الفاظ گفتیم که هیئات برای معانی حرفی وضع شدند و همه معانی حرفی از سنخ معانی نسبت هستند و نسبت بین دو شیء را بیان می‌کنند.
- بنابراین هیأت امر و هیأت نهی باید برای یک نسبت وضع شده باشد. در مورد امر گفتیم امر برای «نسبت بعثیه» وضع شده است.
- کلمه «نسبت» که در این تعبیر ذکر می‌کنیم، برای اشاره به جنس محتوای هیأت امر است که نشان می‌دهد معنای اسمی نیست.

صيغة امر

نسبت بعثيه

صيغة نهى

نسبت زجريه

## هیأت نهی

- بنابراین لفظ هیأت امر برای معنای بعث اسمی وضع نشده و مفهوم نسبت هم در موضوع آن أخذ نشده است، بلکه برای نوع خاصی از نسبت وضع شده است که از آن به «بعثیه» تعبیر می‌کنیم.
- در هیأت نهی هم باید در جستجوی یک معنای حرفی باشیم و مفاد هیأت نهی نمی‌تواند طلب اسمی باشد.

## هیأت نهی

- در بحث امر گفتیم گاهی برای اینکه کسی را به انجام کاری وادار کنیم، او را به صورت تکوینی به سوی تحقق آن کار می‌رانیم؛ مثل اینکه می‌خواهیم کسی از این اتاق بیرون برود، او را به بیرون هل می‌دهیم یا دستش را می‌گیریم و به بیرون می‌بریم.
- زمانی برای تحقق همین هدف، او را برای انجام آن کار تحریک می‌کنیم؛ یعنی به او امر می‌کنیم که بیرون برود.
- در حقیقت صرفاً یک مفهوم، و یک معنا را القا می‌کنیم که این مفهوم یا معنا نوعی اعتبار تلقی می‌شوند.

## هیأت نهی

- نسبت همیشه دو طرف دارد. بنابراین در مفاد هیأت امر هم باید دو طرف وجود داشته باشد.
- یک طرف نسبت در امر، مأمور و طرف دیگر مأمور به است؛ مثلاً وقتی مولا می گوید: صل، مأمور به، صلاة و مأمور، أنت است. هیأت امر صرفاً نسبت بین صلاة و انت را بیان می کند.

## هیأت نهی

- در نسبت بعثیه، مأمور به سمت انجام ماده تحریک می شود، برانگیخته می شود. در نهی عین همین بحث تکرار می شود. هیأت نهی بر نسبتی دلالت می کند که یک طرف آن أنت است و طرف دیگر منهی عنه (ماده نهی).
- برای مثال در «لا تشرب» أنت یک طرف نسبت است، و شرب طرف دیگر و هیأت نهی نسبت بین این دو را بیان می کند. چیزی که در امر و نهی تفاوت دارد مفاد نسبت است که در امر، بعث و تحریک بود اما در نهی، دفع و زجر است. به همین دلیل از نسبت موجود در نهی به «نسبت زجریه» تعبیر می کنیم.

## هیأت نهی

- شهید صدر - رضوان الله علیه - یک استدلالی ذکر می کند تا اثبات کند که معنای هیأت نهی نمی تواند طلب ترک فعل باشد. ایشان می گوید اگر از قداما می پرسیدیم که مفاد «لا تصل» چیست، در جواب می گفتند: طلب ترک صلاة.



## هیأت نهی

- حال می پرسیم دال بر این سه معنای طلب، ترک و صلاة کدام است؟  
جواب می دهند صلاة مدلول ماده و طلب مدلول هیأت است اما در باره ترک با مشکل مواجه می شوند؛ زیرا غیر از ماده و هیأت دال دیگری نداریم.

## هیأت نهی

- بنابراین ترک یا باید جزئی از مدلول ماده باشد یا باید جزئی از مدلول هیأت. اگر بگوییم جزء مدلول ماده است، معنایش این است مدلو صلاة، ترک صلاة است! پر واضح است که این صحیح نیست.
- بنابراین ترک باید مدلول هیأت باشد در حالی که این هم صحیح نیست؛ زیرا گفتیم معانی هیئات معانی حرفی هستند و این ترک یک معنای اسمی است. اضافه بر اینکه دلالت هیأت نهی بر ترک غیر عرفی است.

## هیأت نهی

- اولاً این بحث ایشان شبه استدلال است نه استدلال؛ چون قدماء که گفته‌اند هیأت نهی دلالت بر طلب ترک می‌کند، به کلی از این نکته که معنای هیئات حتماً معنای حرفی است، غفلت کرده‌اند.
- ثانیاً این اشکال فقط مربوط به ترک نیست در طلب هم همین اشکال وارد است؛ زیرا طلب نیز یک معنای اسمی است که حسب فرض مفاد هیأت است؛ البته اگر شاید به قداما می‌گفتیم، آن‌ها توجیه می‌کردند که مقصود ما از طلب، نسبت طلبیه است نه طلب به معنای اسمی.